

## کنشگری بازیگران غیردولت و بازتعریف مفهوم شخصیت حقوقی بین‌المللی

پوریا عسکری

دانشیار، گروه حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

p.askari@atu.ac.ir

زهرا مشرف‌جوادی (نویسنده مسؤل)

دکترای حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

zhmoshrefjavadi@gmail.com

### قابل انتشار در شماره شماره ۵۹ (پاییز ۱۴۰۳) نشریه پژوهش‌های حقوقی

#### چکیده

تعریف و معیارهای دارا شدن شخصیت حقوقی بین‌المللی یکی از مباحث بحث برانگیز در حقوق بین‌الملل است. موضوع اصلی در این حوزه این است که در حقوق بین‌الملل چه کسانی و با داشتن چه ویژگی‌هایی دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌شوند که در ادامه بتوان آن‌ها را تابع (سوبژه) حقوق بین‌الملل نامید. هر کدام از متفکرین و نظریه‌پردازان در حقوق بین‌الملل تلاش داشته‌اند که قالب و معیارهایی را برای شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی تعریف کنند. بنا بر عوامل و شرایط مختلف، حقوق بین‌الملل رویکردهای متفاوتی نسبت به مسأله شخصیت حقوقی بین‌المللی و تبیین جایگاه بازیگران، به عنوان تابع یا متبوع (سوبژه)، داشته است. در آغاز، محوریت بر حضور دولت‌ها بود، اما به تدریج بازیگران نظام بین‌الملل اشکال مختلفی پیدا کردند و سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولت همچون سازمان‌های مردم‌نهاد، شرکت‌ها، گروه‌های مسلح و غیره در صحنه بین‌الملل حضور پیدا کردند. لذا به تدریج شاهد این موضوع هستیم که عوامل تأثیرگذار بر شخصیت حقوقی بین‌المللی و نوع تعریف از این مفهوم دچار تغییر و تحول شده است. بنابراین، در عصر حاضر، حقوق بین‌الملل برای حفظ کارکرد خود نیاز به تبیین نوع رابطه با این بازیگران دارد. در این مقاله به چالش مواجهه‌ی حقوق بین‌الملل با بازیگران غیردولت از دریچه شخصیت حقوقی بین‌المللی پرداخته شده تا مشخص شود بازیگران غیردولت به چه ترتیب مخاطب حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: شخصیت حقوقی بین‌المللی، بازیگران غیردولت، تابع (سوبژه)، دولت-محوری.

## مقدمه

در یک رویکرد ساده، شخصیت حقوقی بین‌المللی بر قامت دولت-ملتی می‌نشیند که حکومت، جمعیت و سرزمین دارد و در روابط بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. این شخصیت بین‌المللی دارای قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره است که دارای سیستمی منسجم است. از این منظر، دولت(ها) تابعان مشخص و پذیرفته‌ی جهانی حقوق بین‌الملل هستند. اما بازیگرانی همچون سازمان‌های بین‌المللی، سرزمین‌های خودمختار، گروه‌های مسلح، شرکت‌ها و غیره نیز به تدریج در عرصه بین‌المللی حضور پیدا کرده‌اند و نقش آنان در حقوق بین‌الملل بنابر نوع حقوق و وظایف آنان و قدرتی که در اختیار دارند به نسبت دولت‌ها به گونه‌ای دیگر تعریف شده است. به دلیل ظهور همین بازیگران جدید در عرصه روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل به سمت توسعه مصدافی شخصیت حقوقی بین‌المللی در حرکت است. در نتیجه این تحولات و در این ساختار نوین، تابعان حقوق بین‌الملل به عنوان نهادهایی تعریف شدند که قادر هستند حقوق و وظایف بین‌المللی داشته باشند.<sup>۱</sup> علاوه بر تأثیر معیار الزامات و نیازهای جامعه بین‌الملل بر شخصیت بین‌المللی، دو معیار میزان کنشگری و اثرگذاری هر بازیگر در جامعه بین‌الملل نیز در شکل‌گیری جایگاه آن در حقوق بین‌الملل نقشی مهم ایفا می‌کنند. در این راستا، معیار کنشگری در نظام بین‌الملل می‌تواند برخی از معیارها و فاکتورهای شخصیت بین‌المللی را متأثر کند. در واقع، مهم نیست ماهیت یک بازیگر در جامعه بین‌الملل چیست، بلکه زمانی با حقوق بین‌الملل مواجه می‌گردد که در وضعیت‌ها و موضوعات بین‌المللی اثر می‌گذارد و همچنین از حقوق بین‌الملل، ضوابط و هنجارهای آن، به فراخور آثار و کنش‌هایش تأثیر می‌پذیرد. این بازیگران در عرصه بین‌المللی حضور دارند و اقدامات آنان به طرق گوناگون در این فضا اثرگذار خواهد بود. از طرف دیگر خود نظام بین‌الملل نیز با پدیده‌های گوناگونی مواجه شده که بازیگران متعددی را در بر گرفته است. نمونه آن ظهور مدرنیته، پایان جنگ‌های مذهبی، رشد اقتصاد و جهانی شدن در روابط بین‌الملل است. از ثمرات مدرنیته در نظام بین‌الملل تحول عمیقی است که در مفهوم دولت و کارکرد آن رخ داده است و پیامد آن کاهش نقش دولت و حضور اشخاص (حقیقی و حقوقی) در حوزه‌های گوناگون از جمله اقتصادی، تجارت و به تبع آن در عرصه بین‌المللی است؛<sup>۲</sup> عصر نوینی که از پس قرون وسطا و تحولات آن ظهور کرد و در ادامه توسعه یافت. حضور این بازیگران و نقش آنان در حوزه‌های گوناگون بین‌المللی باعث شد تا کارکرد و حضور دولت‌ها دچار تحول گردد و این حضور بازیگران غیردولت نحوه شناسایی و جایگاه آنان در حقوق بین‌الملل را دچار چالش کرد. اکنون بازیگران غیردولت می‌توانند در نظام بین‌المللی در کنار دولت و نهاد حاکمیت نقش ایفا کنند.

آیا اقدامات این بازیگران در فضای بین‌المللی در چارچوب حقوق ملی است یا آن که در حقوق بین‌الملل نیز می‌توان برای آنان حقوق، تکالیف یا مسئولیت بین‌المللی تعریف کرد؟ به‌طور کلی یک سیستم حقوقی باید تعیین کند که حقوق و تکالیف مندرج در آن را به چه کسی واگذار می‌کند و در صورت تخطی چه عواقب قانونی متوجه آن بازیگر خواهد بود. در اینجا است که شخصیت حقوقی معنا پیدا می‌کند، چرا که در این سیستم آن کسی دارای حق، تکلیف و مسئولیت می‌شود که شخصیت حقوقی داشته باشد.<sup>۳</sup> حال آیا شخصیت حقوقی بین‌المللی معیاری برای ارتباط با نظم بین‌المللی است یا آن که

<sup>۱</sup>. Christian Walter, "Subjects of International Law", in *Max Planck Encyclopedias of International Law* [MPIL] (2007): para.1. accessed February 21, 2019, <https://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1476>.

<sup>۲</sup>. محسن محبی، «زمینه‌های تاریخی حضور شرکت‌های خصوصی در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۲۵ (۱۳۷۹)، ۷.

<sup>۳</sup>. Roland Portmann, *Legal Personality in International Law* (Switzerland: Cambridge University Press, 2010), 7.

اکنون با معیارهای دیگری نیز روبه‌رو هستیم؟ لذا، در این پژوهش نخست به این مسأله می‌پردازیم که بازیگران غیردولت به چه ترتیب و بنا بر چه دلایلی وارد عرصه بین‌المللی شدند و آنگاه، ثمره حضور این کنشگران در رابطه با حقوق بین‌الملل را به بحث می‌گذاریم. این مسأله به تبیین مفهوم شخصیت حقوقی بین‌المللی و تحول آن در حقوق بین‌الملل باز می‌گردد که در بخش دوم پژوهش بدان خواهیم پرداخت.

## ۱- روند کنشگری بازیگران غیردولت در نظام بین‌الملل

در آغاز، بازیگرانی که اقدامات آنان در صحنه بین‌المللی اثرگذار شناسایی شد، دولت‌ها بودند. به همین علت هر آنچه در نظام بین‌الملل شکل گرفت، بر اساس حضور این بازیگران تعریف گردید. دولت‌ها به واسطه قدرت و حاکمیت مطلق که در عرصه داخلی و بین‌المللی داشتند، به عنوان بازیگران اصلی در حقوق بین‌الملل شناسایی شدند و قواعد بر اساس حضور و نقش آنان تعریف گردید و ساختارهای نظام بین‌الملل با توجه به این ویژگی شکل گرفت. اما این محوریت، چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی، به صورت مطلق باقی نماند. نیازها و تحولات در سازوکار کشورها و ساختار بین‌المللی باعث شد که بازیگران و عناصر دیگری نیز جلوه پیدا کنند و قدرت و مفهوم و سازوکار حاکمیت نیز دچار تغییر و تحول گردد. به علاوه، جهانی شدن و وابستگی متقابل، تأثیر انکارناپذیری بر روابط قدرت در جامعه بین‌المللی داشت،<sup>۴</sup> به گونه‌ای که دیگر دولت تنها بازیگر عرصه بین‌المللی قلمداد نمی‌شد. در این بستر و با توجه به رشد و گسترش روابط بین‌الملل، مفهومی تحت عنوان بازیگران غیردولت، در برابر مفهوم دولت، شکل گرفت که در سازوکار بین‌المللی نقش خود را ایفا می‌کردند اما با سرعتی مشابه دولت‌ها وارد حقوق بین‌الملل و هنجارهای آن نشدند.

در یک تعریف، اصطلاح بازیگران غیردولت می‌تواند نهادهای مختلف، از جمله گروه‌های مدنی مثل سازمان‌های مردم‌نهاد، شرکت‌های فراملی، نهادهای تجاری، افراد یا گروه‌های غیرمدنی مانند گروه‌های مسلح سازمان‌یافته، گروه‌های تروریستی، در بسترهای مختلف را به ذهن متبادر کند که هر یک تعهدات متفاوتی دارند.<sup>۵</sup> لذا بر اساس این موارد می‌توان معیارهایی را برای شناسایی این بازیگران در عرصه بین‌المللی در نظر گرفت. نخست آن که این بازیگران مستقل از دولت‌ها هستند؛ بدین معنا که دولت‌ها آن‌ها را کنترل یا اداره نمی‌کنند و بعضاً این بازیگران ساختار سازمان‌یافته دارند و در حقوق ملی یا بین‌المللی، ذیل قانون شناسایی شده‌اند.<sup>۶</sup>

در نتیجه ویژگی‌هایی که می‌توان به‌طور عام در نظام بین‌الملل برای این بازیگران تعریف نمود به شرح ذیل است:

– نخست، این بازیگران صلاحیت مستقل و خارج از اراده دولت‌ها دارند تا خود اهداف و منافع خود را مشخص و تأیید نمایند؛

<sup>4</sup>. Michkle Olivier, "Exploring Approaches to Accommodating Non-State Actors Within Traditional International Law." *Human Rights & International Legal Discourse* 4.1 (2010): 19.

<sup>5</sup>. Andrew و Clapham, "Non-state Actors," in *International human rights law*, edited by Daniel Moeckli et al. (Oxford: Oxford University Press, 2018), 557.

<sup>6</sup>. Veronica Bilkova, "Non-State Actors" (Final Report, Johannesburg Conference: International Law Association, 2016), para. 29.

- دوم، ظرفیت و صلاحیت دارند که منابع انسانی و مادی را به منظور دستیابی به اهداف و منافع خود بسیج کنند؛ و

- سوم، اقدامات آنها باید به اندازه‌ای باشد که بر روابط دولت‌ها با یکدیگر و یا سایر بازیگران غیردولت در نظم جهانی تأثیر گذارد.<sup>۷</sup>

این بازیگران با ویژگی‌ها یا معیارهای فوق در صحنه بین‌المللی حضور پیدا کردند و به تدریج این حضور فراتر از تصور و جایگاهی بود که برای این بازیگران شناسایی می‌شد. اما دلیل گسترش این حضور در عرصه بین‌المللی را در چه چیز می‌توان جستجو کرد؟ شاید بتوان دو عامل را بیان نمود. نخست عوامل خارجی در عرصه بین‌الملل که اجازه حضور و شناسایی بیشتر بازیگران غیردولت را داده است همچون جهانی شدن، خصوصی سازی و غیره؛ دوم خود اقدامات و نوع حضور این بازیگران در صحنه بین‌المللی که مفاهیم و ادبیات متفاوتی را وارد عرصه بین‌المللی نمود.

در جهت احصاء عوامل اثرگذار در شناسایی و حضور بازیگران غیردولت اندرو کلفم، از حقوقدانان و نظریه‌پردازان برجسته حقوق بین‌الملل در عصر حاضر<sup>۸</sup>، پدیده‌هایی را شناسایی نموده است که کمک می‌کند علل رشد بازیگران غیردولت را در فضای حقوقی بین‌المللی توضیح دهیم.<sup>۹</sup>

پدیده «جهانی شدن اقتصاد» یکی از مواردی است که رشد بازیگران غیردولت در نظام بین‌الملل را بیش از پیش کرده است. از یک طرف، جهانی شدن اقتصاد روندی مهم در دوره پس از جنگ سرد است.<sup>۱۰</sup> نتیجه جهانی شدن منجر به شکل‌گیری یک بازار جهانی شد، بازاری که درگیر مرزهای دولت‌ها نیست و این خود مسیری برای کاهش حاکمیت دولت‌ها گردید. در این راستا و همزمان با تحولات اقتصادی، توسعه‌ی مفاهیم گسترده بشری و ظهور سازوکار تجارت جهانی، بازیگرانی فراتر از حاکمیت دولت را تعریف کرد. سازمان‌های مردم‌نهاد، شرکت‌های چندملیتی و حتی ظهور سازمان‌های بین‌المللی به منزله سطحی از ارتباطات بین‌المللی است که فراتر از مرز دولت‌ها می‌رود.<sup>۱۱</sup> از طرف دیگر، جهانی شدن برداشتی جدید از فرآیند سیاسی است که در گذشته دولت-محور بود و اکنون در حال تبدیل شدن به فهم سیاست به عنوان فرآیندی چند لایه است که شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، فراملی و مردم‌نهاد و شرکت‌های چندملیتی است.<sup>۱۲</sup> در کنار این مسأله، ابزارهای جدید ارتباطات الکترونیکی عاملی عینی در فرآیند جهانی شدن هستند و می‌توان آن را یکی از پیش‌نیازها و کاتالیزورهای این فرآیند در نظر گرفت. نظام پرداخت‌ها، نقل و انتقال و غیره در این فضا صورت می‌گیرد و اگرچه حکومت وارد این معاملات جهانی می‌شود، اما توانایی آن برای کنترل گردش سرمایه یا سیاست‌های شرکت‌های

<sup>7</sup>. See: Hideki Kan, "Actors in World Politics," in *Encyclopedia of Life Support Systems (EOLSS)*, Vol. II, ed. I.E. Cockab. (Oxford: Eolss Publishers, 2011).

<sup>۸</sup>. استاد حقوق بین‌الملل The Graduate Institute Geneva، حوزه‌های تخصص حقوق بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، سازمان‌های بین‌المللی، مسئولیت شرکت، حقوق بین‌الملل عمومی و غیره. جهت اطلاعات بیشتر رک: <https://www.graduateinstitute.ch/andrew-clapham>

<sup>9</sup>. Andrew Clapham, *Human Rights Obligations of Non-State Actors*, (Oxford: Oxford University Press, 2006), 3-19.

<sup>10</sup>. Ibid.

<sup>۱۱</sup>. جیمزلی رای و ژولیه کابو، *سیاست جهانی: روابط اقتصادی و مسائل جهانی معاصر*، ترجمه قدرت احمدیان و فرهاد دانش‌نیا (تهران: مرکز ملی جهانی شدن، ۱۳۹۳)، ۲۳.

<sup>12</sup>. Jost Delbrück, "Structural changes in the international system and its legal order: international law in the era of globalization," *Swiss. Rev. Int'l & Eur. L.* 11 (2001): 9, accessed June 19, 2021, [https://www.ivr.uzh.ch/dam/jcr:00000000-6cd4-2fa7-0000-000056bb30f7/Text\\_1\\_Delbrueck.pdf](https://www.ivr.uzh.ch/dam/jcr:00000000-6cd4-2fa7-0000-000056bb30f7/Text_1_Delbrueck.pdf)

چندملیتی به‌طور بنیادینی کاهش یافته است.<sup>۱۳</sup> در نتیجه، اثر مهم جهانی شدن کم شدن محوریت دولت است. جهانی شدن باعث گسترش و حضور بیش از پیش بازیگران غیردولت به خصوص شرکت‌ها در نقاط مختلف شده است.<sup>۱۴</sup> از جمله نتایج حاصل از این جهانی شدن در بسترهای مختلف، افزایش نفوذ و تأثیر بازیگران غیردولت، نقش روابط و رسانه‌های جهانی، وابستگی زیاد دولت‌ها به یکدیگر و سایر بازیگران در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری در حوزه خدمات و امور مالی را می‌توان شناسایی کرد.<sup>۱۵</sup> که خود تأثیر بسیار زیادی در نوع هنجارهای بین‌المللی و واکنش آن در برابر کنشگری این بازیگران به‌ویژه شرکت‌ها در بسترهای گوناگون داشته است.

«خصوصی‌سازی»<sup>۱۶</sup> حوزه‌هایی همچون بهداشت، آموزش، زندان‌ها و ارتباطات که در گذشته منحصرًا توسط دولت‌ها کنترل و اداره می‌شد، اکنون باعث شده است نقش بازیگران غیردولت در حوزه‌هایی تقویت شود که پیش از آن در انحصار دولت‌ها بوده‌اند. به‌علاوه، دولت‌ها با انتقال مسئولیت‌های خود در این حوزه‌ها به بخش خصوصی به عبارتی از خود سلب مسئولیت می‌کنند و بنابراین این تردید به وجود می‌آید که آیا دولت‌ها به راحتی می‌توانند به‌واسطه خصوصی‌سازی، خود را از بند تعهدات قانونی رها کنند.<sup>۱۷</sup> به عنوان مثال، یکی از نمونه‌های خصوصی‌سازی ظرف سال‌های گذشته ورود شرکت‌های نظامی خصوصی در حوزه‌هایی است که سابقاً حوزه انحصاری دولت‌ها محسوب می‌شد. به دیگر سخن، مسائل مربوط به امنیت ملی و بین‌المللی یک کشور که پیش از این تنها در دست دولت‌ها بود، اکنون به نهادهایی دیگر واگذار شده است؛<sup>۱۸</sup> یا آن که خود این بازیگران حوزه‌هایی را در دست گرفته‌اند که پیش از این در دست دولت‌ها بود، مانند پول به عنوان یک امر حاکمیتی که اکنون با ظهور رمزارزها در دست نهادهای غیردولت است. رمز ارز یک سیستم خصوصی برای تسهیل معاملات بین اشخاص است، بدون آن که نیازی به حضور نهاد مرکزی و واسط باشد.<sup>۱۹</sup> این ایده به‌دنبال فعال کردن پول خصوصی بود که کابردی جهانی داشته باشد و نهادهای حاکمیتی از جمله بانک مرکزی دولت‌ها، در آن دخالتی نداشته باشند؛<sup>۲۰</sup> یا حضور آنان به‌صورت حداقلی باشد. در نتیجه این پول تحت نظارت و کنترل نهاد دولتی نیست.<sup>۲۱</sup> هر چند که باید توجه داشت دولت‌ها تلاش دارند استفاده از آن را به طرق گوناگون محدود کنند.

پدیده دیگر «تفرق دولت‌ها» یا تقسیم قدرت دولت در بخش‌های گوناگون است. تفرق در اینجا به معنای منازعه داخلی قدرت و خدشه وارد شدن به انحصار دولت در امور مختلف توسط بازیگران غیردولت است. مسائلی که پیش از این تنها در دست دولت‌ها بود، اینک نهادهای دیگر نیز در آن حضور دارند. به عنوان مثال گروه‌های مسلح سازمان‌یافته علیه حکومت مرکزی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی می‌جنگند. این بار یک بازیگر غیردولت خود را دارای قدرتی می‌داند

<sup>13</sup>. Ibid.

<sup>14</sup>. Amnesty International, *Undermining Freedom of Expression in China: The Role of Yahoo!, Microsoft and Google*, 2006. accessed September 2020, 2021. <https://www.amnesty.org/en/documents/POL30/026/2006/en/>

<sup>15</sup>. Delbrück, op.cit, 77.

<sup>16</sup>. در اینجا خصوصی‌سازی به معنای واگذاری مسئولیت‌های دولت به بخش غیردولت/خصوصی است و با مفهوم اقتصادی خصوصی‌سازی متفاوت است.

<sup>17</sup>. Clapham, *Human Rights Obligations of Non-State Actors*, 9.

<sup>18</sup>. پوریا عسکری، «شرکت‌های خصوصی نظامی و امنیتی در حقوق بشر دوستانه»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۱۲ (۱۳۸۶)، ۸۴.

<sup>19</sup>. مهدی نوری، «تحلیل ماهیت پولی رمزارزها در اقتصاد؛ با تأکید بر مقایسه نوسانات رمزارزهای منتخب با نوسانات یورو- دلار و طلا»، *فصلنامه اقتصاد*

دفاع ۱۰ (۱۳۹۷): ۱۱۰.

<sup>۲۰</sup>. همانجا.

<sup>۲۱</sup>. همانجا، ص ۱۱۴.

که بتواند حضور و اقتدار بازیگر دیگری را به چالش بکشد. یا مثالی دیگر در خصوص تفرق دولت، ظهور فضای مجازی و گسترش آن به گونه‌ای که ما در سرزمین و حاکمیتی فراتر از دولت‌ها زندگی می‌کنیم. این سرزمین قواعد حاکمیت و قدرت خود را داراست که دولت‌ها و قدرت آنان در ذیل آن قرار می‌گیرند نه ورای آن. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۱، توئیتر، به عنوان یک شبکه فعال اجتماعی، صفحه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا را به‌طور دائم به دلیل خطر تحریک خشونت بیشتر معلق کرد. در پی این اقدام، توئیتر اعلام داشت که چارچوب منافع عمومی ما برای این است که مردم بتوانند به‌طور مستقیم از مقامات منتخب و رهبران جهان بشنوند، اما این صفحات ورای قواعد ما نیست و نمی‌توان از توئیتر به منظور تحریک خشونت استفاده کرد.<sup>۲۲</sup> در واقع مراقبت از آزادی بیان و تعریف و اعمال محدودیت‌های بار شده بر آن که پیش از این بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی در اختیار دولت‌ها و اقتدار آن‌ها قرار گرفته بود، اینک در کنار دولت‌ها، در دست بازیگری غیر از دولت نیز قرار گرفته است و آنها در برخی حوزه‌ها اعمال قدرت می‌کنند. یا ظهور فضایی به اسم «متاورس»<sup>۲۳</sup>؛ متاورس در ساده‌ترین تعریف یک دنیای مجازی است که کاربران می‌توانند با استفاده از آواتارهای سه‌بعدی شخصی‌سازی شده آن را کشف کنند. این فضا به بازدیدکنندگان اجازه می‌دهد تا به صورت مجازی با یکدیگر تعامل داشته باشند و فعالیت‌های مختلف تفریحی، ورزشی، کاری، اقتصادی و سرمایه‌گذاری، خرید زمین و غیره را تجربه کنند.<sup>۲۴</sup> در این حوزه نه دولت‌ها بلکه شرکت‌های بزرگ فعال در حوزه دیجیتال حضور دارند و این فضا را شکل می‌دهند. در این فضا، مسائل امنیت و حریم خصوصی افراد، ایجاد و مدیریت دارایی‌های دیجیتال در برابر کپی‌های دیجیتال یا سرقت مسأله مهمی خواهد بود<sup>۲۵</sup> که پیش از این به‌طور مطلق در دست دولت‌ها بود، اما وقایع و آثار حقوقی اقدامات در متاورس در سرزمینی متفاوت مطرح است و بازیگر اصلی آن شرکت‌های خصوصی هستند؛ جایی که ملیت و حاکمیت به‌گونه‌ای متفاوت از فضای حقیقی است.

مسأله دیگر «جرمانگاری جرایم بین‌المللی» است که در آن بازیگران غیردولت به عنوان یک شخصیت دارای حق و تکلیف در بستر تعهدات بین‌المللی مورد خطاب قرار می‌گیرند و حضور آنان شناسایی می‌شود و این امر منجر به حضور بیشتر آنان در صحنه بین‌المللی و همچنین اهمیت حضور آنان می‌گردد. این حرکت در سال ۱۹۴۶ توسط دادگاه نورمبرگ به صورت عینی تبلور یافت، جایی که دادگاه اعلام داشت که حقوق بین‌الملل می‌تواند از دولت‌ها عبور کند و بر افراد اعمال گردد.<sup>۲۶</sup> این بار این افراد بودند که مورد پیگرد قانونی قرار گرفتند و نه دولت‌ها به‌طور خاص. این جایی است که حضور یک فرد در صحنه بین‌المللی ورای دولت مورد شناسایی قرار می‌گیرد چرا که اثرگذاری بیشتری داشته است و این اثر نیاز به پاسخ دارد. اما به نظر می‌رسد مسئولیت کیفری برای سایر بازیگران غیردولت از جمله شرکت‌ها نیز در حال شکل‌گیری است؛ جایی که جرم بین‌المللی متوجه بازیگران حقوقی نیز می‌شود. به عنوان مثال، در اتحادیه آفریقا، در قالب معاهده‌ای در

<sup>22</sup> "Twitter permanently suspends President Donald Trump," NBC news accessed September 11, 2021.

<https://www.nbcnews.com/tech/tech-news/twitter-permanently-bans-president-donald-trump-n1253588>

<sup>23</sup> Metaverse.

<sup>24</sup> «راهنمای گام به گام خرید ارز، سهام و زمین؛ چگونه در متاورس سرمایه‌گذاری کنیم؟»، یورونیوز، دسترسی در ۶ ژانویه ۲۰۲۲.

<https://per.euronews.com/2022/01/06/how-to-invest-in-the-metaverse-a-step-by-step-guide>

<sup>25</sup> Lik-Hang Lee, Tristan Braud and others, "All One Needs to Know about Metaverse: A Complete Survey on Technological Singularity, Virtual Ecosystem, and Research Agenda", *Journal of Latex Class Files*, Vol. 14, No. 8, (2021): 47, accessed on May 20, 2022, <https://arxiv.org/abs/2110.05352v3>.

<sup>26</sup> Andrew Clapham, *Non-State Actors, International Human Rights Law*, ed. Daniel Moeckli, et al., (Oxford: Oxford University Press, 2018), 262.

سال ۲۰۱۴، شعبه‌ای کیفری به «دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر»<sup>۲۷</sup> اضافه گردید که در آن مشخص شد شرکت‌ها برای برخی از جرایم بین‌المللی می‌توانند تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند. در ماده ۴۶ (ج) این معاهده به صراحت بیان شده است که دیوان بر اشخاص حقوقی صلاحیت دارد.<sup>۲۸</sup> امکان پیگرد قانونی شرکت‌ها در دادگاه (شعبه) کیفری آفریقا نشان-دهنده شواهد تجربی حضور شرکت‌ها در جرایم مهمی که قاره آفریقا را متاثر می‌کند و درک روزافزون از ماهیت متمایز جرایم شرکتی نسبت به افراد موجود در آن است.<sup>۲۹</sup>

این موارد عواملی هستند که حضور بازیگران غیردولت در عرصه‌ی بین‌المللی را تسریع یا شناسایی کردند که به دنبال آن می‌توان آثار حقوقی در عرصه بین‌المللی را متصور بود. اما همانطور که بیان گردید نقش این بازیگران در نظام بین‌الملل نیز خود منجر به تعریف یا بازتعریف مفاهیمی در نظام بین‌الملل و حقوق بین‌الملل شده است.

تعریف مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، تاکید بر مسئولیت گروه‌های سازمان‌یافته مسلح در مخاصمات، شناسایی و مسئولیت بیش از پیش گروه‌های تروریستی در اسناد گوناگون همچون اسناد شورای امنیت سازمان ملل،<sup>۳۰</sup> اعمال قواعد حقوق بشری یا راستی‌آزمایی بر شرکت‌های فراملی و غیره همگی نشان از تأثیر حضور بازیگران غیردولت در سازوکار بین-المللی و توسعه مفاهیم گوناگونی است که یا قبل از آن وجود نداشت یا در انحصار روابط دولت‌ها بود.

در مثالی دیگر، اصول راهنمای ملل متحد در خصوص تجارت و حقوق بشر<sup>۳۱</sup> در سال ۲۰۱۱ بیان می‌دارد که «شرکت‌های تجاری باید به حقوق بشر احترام بگذارند. این بدین معنا است که آن‌ها باید از تخطی از حقوق بشر سایرین اجتناب کنند و اثرات مغایر حقوق بشر را که آن‌ها در آن درگیر هستند اعلام کنند».<sup>۳۲</sup> به عبارت دیگر همانطور که برخی از صاحب‌نظران بیان می‌کنند، مسئولیت شرکت برای احترام و در نتیجه وظیفه‌ی ناشی از آن به انجام راستی‌آزمایی/ارزیابی بایسته در مورد نقض‌های احتمالی حقوق بشر، در نهایت منجر به تعهدات الزام‌آور حقوق بشر شرکت خواهد شد.<sup>۳۳</sup> همچنین

27. The African Court of Justice and Human Rights.

28. "Protocol on Amendments to the Protocol on the Status of the African Court of Justice and Human Rights", *African Union*, adopted June 27, 2014, entered into force April 2, 2019), article 46 (c).

29. Joanna Kyriakakis, "Article 46C Corporate Criminal Liability at the African Criminal Court," in *The African Court of Justice and Human and Peoples' Rights in Context Development and Challenges*, ed. Charles C. Jalloh *et al.*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2019), 834-835.

30. به عنوان مثال یکی از قطعنامه‌های شورای امنیت که می‌توان بدان استناد کرد، قطعنامه ۲۴۵۹ است که در ۱۵ مارس ۲۰۱۹ به تصویب رسید. در این قطعنامه، شورا هر دو دولت و بازیگران غیردولت را به‌طور مستقیم به‌واسطه استفاده از اصطلاح «همه طرفین» خطاب قرار داد. شورای امنیت «درخواست نمود که همه طرفین فوراً به تمامی اشکال خشونت، نقض‌ها و سوءاستفاده از حقوق بشر و نقض‌های حقوق بشردوستانه، از جمله تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی و جنسیتی خاتمه دهند و افراد مسئول را به‌منظور قطع زنجیره بی‌کیفرمانی، پاسخگوی اعمال خود بدانند». چنین رویکردی در قطعنامه شماره ۲۰۵۶ نیز وجود دارد؛ جایی که شورا تأکید دارد «همه طرفین فوراً اقدامات مالی مناسب به منظور تضمین حمایت از سایت‌های میراث جهانی را اتخاذ نمایند».

31. اصول راهنمای ملل متحد در خصوص تجارت و حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ توسط مرحوم جان راگی، نماینده ویژه سازمان ملل در تجارت و حقوق بشر پیشنهاد شد. این سند متشکل از سه بخش است که هر قسمت موارد مشخصی را در رابطه با شرکت‌های فراملی و حقوق بشر بررسی می‌نماید. در بخش نخست به مسئولیت دولت در خصوص حمایت از حقوق بشر می‌پردازد، بخش دوم که جزء مهمترین بخش‌های اصول راهنما است، به وظیفه‌ی شرکت‌ها برای حمایت از حقوق بشر می‌پردازد و اعلام می‌دارد این موارد مباحث جدیدی نیست و در نهایت در قسمت پایانی دسترسی به جبران خسارت را بیان می‌کند.

32. A/HRC/17/31, para. 11.

33. Guiding Principles, p. 17. See also: Peter Muchlinski, "Implementing the New UN Corporate Human Rights Framework: Implications for Corporate Law, Governance, and Regulation," *Business Ethics Quarterly* 22, no. 1 (2012): 145-177.

در قطعنامه ۲۴۵۹ مورخ ۱۵ مارس ۲۰۱۹، شورای امنیت،<sup>۳۴</sup> هر دو دولت و بازیگران غیردولت را به طور مستقیم، به واسطه استفاده از اصطلاح "همه طرفین" مورد خطاب قرارداد. شورای امنیت بیان داشت:

«درخواست می‌کند که همه طرفین فوراً تمامی اشکال خشونت، نقض‌ها و سوءاستفاده از حقوق بشر و نقض‌های حقوق بشردوستانه را، از جمله تجاوز، سایر اشکال خشونت جنسی و جنسیتی، خاتمه دهند و افراد مسئول را به منظور قطع زنجیره بی‌کیفرمانی، پاسخگوی اعمال خود بدانند».<sup>۳۵</sup>

همچنین شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه‌ی دیگری تصریح می‌کند که تقویت احترام به قواعد حقوقی توسط گروه‌های غیردولت مسلح مستلزم تعامل اصولی، پایدار و استراتژیک با چنین گروه‌هایی است.<sup>۳۶</sup> در این بستر، اگرچه این موضوع به معنای مشروعیت این گروه‌ها نیست، اما این واقعیت را منعکس می‌کند که تعامل با این گروه‌ها برای دستیابی به تبعیت از قانون، مذاکره و انجام فعالیت بشردوستانه ضروری است.<sup>۳۷</sup> به عبارت دیگر در یک هنجار ارائه شده در قالب شورای امنیت سازمان ملل، رفتار و کنش مورد خطاب دیگر تنها متوجه دولت‌ها یا حتی اعضای سازمان ملل نیست، بلکه موضوع تمام بازیگران و کنشگرانی است که بر یک وضعیت اثر می‌گذارند یا به نوعی از آن اثر می‌پذیرند. این بار بنا به حضور بازیگران غیردولت، نقش نهادی چون شورای امنیت که مسئولیت آن پیشتر در روابط میان دولت‌ها بوده، توسعه یافته است. پس به واسطه تکثر در کنشگران نظام بین‌الملل، با تکثر هنجارها و قواعد شکل‌دهنده و ناظر بر رفتارها مواجه هستیم.

لذا نظام بین‌الملل به دلیل نوع حضور، کنشگری و اثرگذاری بازیگران غیردولت، این بازیگران را در عرصه‌های مختلف و باتوجه به ماهیت و شرایط یک وضعیت، می‌تواند به عنوان یک کنشگر اصلی شناسایی کند و اکنون این بازیگران تنها ذیل دولت خود تعریف نمی‌گردند. به عبارت دیگر، این بازیگران در کنار دولت‌ها در حوزه‌های مختلف نقش کلیدی ایفا می‌کنند که نادیده گرفتن آن‌ها یا مخاطب قرار دادن دولت‌ها به تنهایی، منجر به ناکارآمدی حقوق بین‌الملل و نادیده گرفتن بخش عظیمی از روابط بین‌الملل خواهد شد.

از طرف دیگر اگر قرار باشد بازیگری بر هنجارهای نظام بین‌الملل اثر گذارد و موضوع مستقیم حق و تکلیف قرار گیرد، باید در چارچوب ثابت دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی باشد. لذا زمانی که صحبت از حضور بازیگران غیردولت در عرصه بین‌المللی می‌کنیم، گام بعدی این خواهد بود که اثر حقوقی حضور این بازیگران را تعریف کنیم و این امر نیاز به تعریف یا بازتعریف و چارچوب‌بندی برای مفهوم شخصیت حقوقی بین‌المللی دارد تا بتوانیم رابطه بازیگران غیردولت را با حقوق بین‌الملل ترسیم کنیم. در نتیجه باید مفهوم شخصیت حقوقی بین‌المللی را به منظور تبیین جایگاه بازیگران غیردولت ارزیابی کنیم. آیا در بستر حقوق بین‌الملل و رویکردهای گوناگون، شخصیت حقوقی بین‌المللی مفهومی ایستا است یا پویا؟ آیا معیار شخصیت حقوقی بین‌المللی، معیاری جامع و کامل برای حضور در صحنه بین‌المللی است؟ بر اساس تعریف از شخصیت حقوقی بین‌المللی رابطه بازیگران غیردولت با حقوق بین‌الملل چگونه تبیین می‌گردد. آیا بنابر حضور بازیگران

<sup>34</sup>. S/RES/2459.

<sup>35</sup>. Ibid., para 26.

<sup>36</sup>. S/2020/366, para. 53.

<sup>37</sup>. Ibid.



غیردولت نیاز به بازتعریف شخصیت حقوقی بین‌المللی یا تعریف معیارهای دیگر داریم؟ مسأله اصلی تبیین جایگاه بازیگران غیردولت، نقش آنان و تعامل این بازیگران در/با حقوق بین‌الملل است.

به نظر می‌رسد براساس نوع حضور این بازیگران دیگر رویکردهای سابق حقوق بین‌الملل، همچون دولت-محوری، سازگار نخواهد بود و ما نیاز به بازتعریف نوع شناسایی بازیگران غیردولت در حقوق بین‌الملل داریم. به همین علت به تدریج رویکردها در حقوق بین‌الملل دچار تحول شدند و رویکردهایی ظهور پیدا کردند که باتوجه به پررنگ‌تر شدن نقش بازیگران غیردولت، به‌دنبال تبیین نوع رابطه این بازیگران با هنجارهای بین‌المللی بوده و هستند.

## ۲- تحول شخصیت حقوقی بین‌المللی در راستای حضور بازیگران غیردولت

همانطور که در بخش نخست بیان شد، بازیگران غیردولت بنا به عوامل مختلف در صحنه بین‌المللی حضور داشته‌اند، اما برای آن که بتوانیم در نظام بین‌الملل با این بازیگران تعامل داشته باشیم و بتوانیم الزامات و نیازهای این جامعه را بر اساس حضور این بازیگران تأمین کنیم، نیاز به بررسی حضور این بازیگران در حقوق بین‌الملل و نظام هنجاری آن داریم. به عبارت دیگر باید تبیین گردد که این بازیگران به عنوان متبوعانی که ذیل حقوق و تکالیف دولت‌ها قرار دارند شناسایی می‌شوند، یا بازیگران مستقلی هستند که به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار می‌گیرند. در اینجا همانطور که بیان کردیم مسأله به جایگاه و تعریف شخصیت حقوقی بین‌المللی در رابطه با بازیگران متعدد باز می‌گردد. این که کنشگری و ظهور بازیگران غیردولت چه تأثیری داشته و چه رویکردی نسبت به جایگاه بازیگران غیردولت در حقوق بین‌الملل می‌تواند منجر به کارکرد بهینه حقوق بین‌الملل گردد.

در پاسخ به این پرسش، به‌طور کلی چهار رویکرد را می‌توان مورد بررسی قرار داد:

- نخست رویکرد دولت-محوری که مطابق آن شخصیت حقوقی بین‌المللی از آن دولت است و لذا تنها تابع حقوق بین‌الملل دولت‌ها هستند و اراده آنان در حقوق بین‌الملل و نظام هنجاری آن اثر گذار است؛
- دوم رویکرد استقرایی که بر اساس آن شخصیت حقوقی بین‌المللی هر نهادی تنها به بستر هنجارهای بین‌المللی که آن را خطاب می‌کنند، مرتبط است و نه شکل و ساختار آن بازیگر، حال دولت باشد یا یک شرکت خصوصی؛
- سوم رویکرد فردگرایی که در آن فرد مقصد نهایی حقوق بین‌الملل شناسایی می‌شود و هر چیز در حقوق بین‌الملل بر این اساس شکل گرفته است؛

- چهارم رویکرد شرکت‌کننده و کنشگر در حقوق بین‌الملل. در رابطه با رویکرد آخر در حقیقت تقسیم‌بندی به تابع (سوبژه) در مقابل متبوع (اوبژه) در حقوق بین‌الملل مورد انتقاد قرار می‌گیرد و ایده شرکت‌کنندگان را ارائه می‌شود. به دیگر سخن هنجارهای حقوق بین‌الملل براساس کنشگری بازیگران آن، اعم از دولت یا غیردولت، شکل می‌گیرد و لذا همه بازیگران باید در آن شناسایی شوند.<sup>38</sup> به همین علت است که حضور و اثرگذاری بازیگران غیردولت در عرصه بین‌المللی به تدریج منجر

<sup>38</sup>. Simone Gorski, "Individuals in International Law," Last modified August 2013, para.17, accessed June 19, 2021, <https://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law/epil/9780199231690/law-9780199231690-e829?rskey=kJWcno&result=17&prd=OPIL>

به تحول یا توسعه مفهوم شخصیت حقوقی بین‌الملل شده است؛ حرکت از سمت دولت-محوری به سمت کنشگری که در رویکردهای مختلف فوق قابل مشاهده است و در ذیل نحوه این حرکت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۱- رویکرد دولت-محوری<sup>۳۹</sup>

بر اساس رویکرد کلاسیک و به عنوان بازیگری که دارای سیستم منسجم، قدرت و حاکمیت است، دولت به عنوان بازیگر اصلی حقوق بین‌الملل شناسایی می‌شود. در این رویکرد باور اصلی آن است که دولت‌ها تنها اشخاص حقوقی بین‌المللی هستند، لذا نخستین اندیشه‌ها بر محور دولت شکل گرفت. در نظام بین‌الملل، دولت‌ها به عنوان بازیگر اصلی و تنها نهادی که دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است، شناخته شدند، چرا که دولت یک سیستم منسجم است و کارکردهای لازم را در نظام بین‌الملل دارد. به همین علت است که رویکرد دولت-محوری در عصر حاضر نیز طرفداران خود را دارد، زیرا دولت هنوز هم به عنوان منسجم‌ترین سیستم در عرصه بین‌المللی شناخته می‌شود. دولت در محور جهان و سازوکارهای آن قرار دارد چرا که نقش‌هایی از قبیل قانون‌گذاری، فرماندهی ارتش، ایجادکننده دادگاه، اخذکننده مالیات، نهادی که از قانون و نظم در کشور اطمینان حاصل می‌کند را، برعهده دارد.<sup>۴۰</sup>

دولت‌ها هرچند به‌طور قابل ملاحظه‌ای در وسعت سرزمین، جمعیت، اقتصاد و قدرت نظامی متفاوت باشند، در چارچوب قانون و قواعد با هم برابر هستند. به بیان امر دو وائل، «یک کوتوله به اندازه یک غول، انسان است. به همین ترتیب، یک جمهوری کوچک کمتر از قدرتمندترین پادشاهی، یک دولت مستقل نیست»<sup>۴۱</sup>.

در این بستر، تنها دولت تابعی شناخته می‌شود که موضوع حق و تکلیف است و توانایی اقدامات بین‌المللی را دارد و شخصیت حقوقی بین‌المللی برای آن تعریف شده است. بنابراین در رویکرد دولت-محوری «دولت بودن»<sup>۴۲</sup> و داشتن شخصیت بین‌المللی، مترادف تلقی می‌شوند.

در نتیجه‌ی این نگاه، روابط بین «افراد»<sup>۴۳</sup> و بین دولت‌ها و افراد به‌واسطه قوانین ملی تنظیم شده است؛ قواعد حقوقی بین‌المللی مربوط به افراد یا بازیگران غیردولت باید به عنوان تعهدات دولت‌ها به منظور اعطای حقوق و تعهدات به افراد در سیستم‌های حقوقی ملی مربوط تلقی شود.<sup>۴۴</sup> تنها زمانی که حقوق بین‌الملل حمایت از افراد را به عنوان تعهد دولت‌ها در نظر گرفته باشد، فرد از حمایت حقوق بین‌الملل بهره‌مند می‌شود. همچنین چنانچه حقوق بین‌الملل دولت‌ها را به تنظیم رفتار افراد در چارچوب حقوق داخلی ملزم کند، تعهدات افراد توسط حقوق بین‌الملل مشخص می‌گردد.<sup>۴۵</sup>

<sup>39</sup>. The 'States-only' conception.

<sup>40</sup>. Antonio Cassese, "States: Rise and Decline of the Primary Subjects of the International Community," in *The Oxford Handbook of the History of International Law*, ed. Bardo Fassbender and Anne Peters (Oxford: Oxford University Press, 2012), 50.

<sup>41</sup>. "A dwarf is as much a man as a giant; similarly, a small republic is no less a sovereign state than the most powerful kingdom."

<sup>42</sup>. Emerich De Vattel, *The Law of Nations or the Principles of Natural Law Applied to the Conduct and to the Affairs of Nations and of Sovereigns* (Washington: Carnegie Institution of Washington, 1916), para 18, accessed June 2, 2022: <https://oll.libertyfund.org/title/whatmore-the-law-of-nations-lf-ed>

<sup>43</sup>. Statehood.

<sup>44</sup>. Individuals.

<sup>45</sup>. Astrid Kjeldgaard-Pedersen, *The International Legal Personality of the Individual* (Oxford: Oxford University Press, 2018), 18.

<sup>46</sup>. George Manner, "The object theory of the individual in international law," *American Journal of International Law* 46, no. 3 (1952), 428, accessed April 23 2021,

<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/ajil46&div=29&id=&page=>

لذا در این ساختار، نظام بین‌الملل به عنوان یک جامعه متشکل از دولت‌ها است. از آنجایی که نهادی بالاتر از دولت وجود ندارد، حقوق بین‌الملل حقوقی است که از اراده‌ی دولت‌ها نشأت می‌گیرد. حقوق بین‌الملل تنها بر دولت‌ها به عنوان تنها اجزای نظام بین‌الملل اعمال می‌شود.<sup>۴۷</sup>

در حال حاضر نیز شخصیت حقوقی بین‌المللی در بسترهای گوناگون مطابق با دولت-محوری پیش می‌رود، اما از طرف دیگر حقوق بین‌الملل براساس این رویکرد خود را در تنگنایی مشاهده می‌کند، چراکه بسیاری از بازیگرانی که خارج از مصادیق این رویکرد هستند، نقشی اساسی در نظام بین‌الملل دارند. نمونه‌ی چنین تأکیدی را می‌توان در مسأله شناسایی مسئولیت برای بازیگران مختلف در بستر حقوق بین‌الملل مشاهده کرد زیرا برای آن که بتوان برای بازیگران غیردولت مسئولیت بین‌المللی را شناسایی کرد، نیاز به حضور دولت و حلقه‌ی اتصال آن داریم. نظام بین‌الملل هنوز نوع رابطه با سیستم حقوقی بین‌المللی را بر مبنای حضور یا ارتباط با دولت در نظر می‌گیرد. در پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها در خصوص اقدامات غیرقانونی بین‌المللی (۲۰۰۱) بیان شده است که اقدام یک فرد یا گروهی از افراد اقدام یک دولت ذیل حقوق بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود، اگر آن شخص یا گروهی از افراد در حقیقت تحت فرمان، هدایت یا کنترل آن دولت در آن اقدام باشند.<sup>۴۸</sup> این پیش‌نویس متمرکز بر مسئولیت دولت‌ها است و حلقه‌ی شناسایی مسئولیت بازیگران غیردولت و حتی مسئولیت دولت در قبال اقدامات این افراد در حقوق بین‌الملل را در مسئولیت دولت و قابلیت انتساب این اعمال به دولت در نظر می‌گیرد. در اینجا کارکرد حقوق بین‌الملل جایی دچار مشکل می‌شود که ما نتوانیم این حلقه اتصال را پیدا کنیم و برای سایر بازیگران ظرفیتی جدا از دولت‌ها در نظر بگیریم. به دیگر سخن برای بازیگران غیردولت نتوانیم مسئولیتی ورای دولت در نظر بگیریم.

به نوعی حقوق بین‌الملل و نظریه پردازان آن به این نتیجه رسیده‌اند که نگاه دولت-محوری به شخصیت حقوقی بین‌المللی یا شناسایی حضور بازیگران بر این اساس، کارایی حقوق بین‌الملل را با مشکل مواجه می‌کند و حضور سایر بازیگران را نیز نادیده می‌گیرد. به همین علت به تدریج اندیشه‌ها و رویکردهای دیگر در خصوص بازیگران عرصه بین‌المللی شکل گرفت که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

## ۲-۲- رویکرد استقرایی<sup>۴۹</sup>

رویکرد استقرایی شخصیت حقوقی بین‌المللی از نظریه‌ی محض حقوقی هانس کلسن نشأت می‌گیرد.<sup>۵۰</sup> ایده‌ی اصلی این رویکرد این است که شخصیت حقوقی بین‌المللی هر نهادی تنها به بستر هنجارهای بین‌المللی که آن را خطاب می‌کنند، وابسته است.<sup>۵۱</sup> در هر دو جنبه‌ی سیاسی و نظری این رویکرد، بر تابع بودن<sup>۵۲</sup> افراد در حقوق بین‌الملل تأکید شده است.<sup>۵۳</sup> در تئوری حقوق بین‌الملل کلسن، دولت، سازمان‌های بین‌المللی و فرد مشترکاً بازیگرانی مهم در عرصه بین‌الملل هستند. در این

47. Portmann, *op.cit.* 43-44.

48. ILC, "Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries," UN Doc A/56/10, Commentaries on art. 8.

49. The 'a posteriori' conception.

50. Kjeldgaard-Pedersen, *op. cit.*, 23.

51. *Ibid.*

52. Subjectivity.

53. Kjeldgaard-Pedersen, *op. cit.*, 23.

دیدگاه، تنها دولت‌ها حاملان حقوق و تعهدات بین‌المللی نیستند؛ بلکه مجموعه‌ای از دولت‌ها (سازمان‌های بین‌المللی) و افراد نیز این نقش را دارا هستند.<sup>۵۴</sup>

نظریه‌ی محض حقوقی بر این امر استوار است که حقوق، اعم از ملی و بین‌المللی، رفتار بشر را تنظیم می‌کند.<sup>۵۵</sup> دولت‌ها ارگان‌هایی هستند که اقدامات بشر در نظم حقوقی ملی به آنان منتسب می‌شود. ارگان دولت برابر با ارگان قانون است.<sup>۵۶</sup> کلسن معتقد است از آنجایی که شخصیت حقوقی چیزی بیشتر از «مجموعه‌ای از هنجارها»<sup>۵۷</sup> نیست، لذا حقوق و تعهدات از توصیف شخصیت حقوقی تبعیت نمی‌کنند.<sup>۵۸</sup> انواع، وجود و محتوای شخصیت حقوقی به‌طور مطلق به «قاعده-گذاری پوزیتیو»<sup>۵۹</sup> وابسته شده است زیرا شخص حقوقی با مجموع هنجارهای مربوط به رفتار انسان تشکیل می‌شود. مفهوم «دارنده»<sup>۶۰</sup> حقوق و تعهدات نقش تعیین‌کننده‌ای در تئوری‌های سنتی مربوط به شخص حقوقی ایفا می‌کند.<sup>۶۱</sup> به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل دولت‌ها را به همان اندازه‌ی افراد برای حقوق بین‌الملل مهم می‌داند.<sup>۶۲</sup> حاکمیت چیزی بیشتر از رابطه نظم‌های حقوقی دولتی (جزئی) با نظم حقوقی بین‌المللی (کل) نیست. لذا، حاکمیت خصوصیت یک نهاد نیست،<sup>۶۳</sup> بلکه خصوصیت نظم حقوقی است. دولت به عنوان یک شخص حقوقی نیست که حاکمیت دارد، بلکه حقوق بین‌الملل به عنوان بالاترین نظم حقوقی دارای اقتدار عالی (حاکم) است. در حقوق بین‌الملل محتوای حقوق و وظایف دولت از طریق چسباندن برچسب «دولت» تعیین نمی‌شود، بلکه همچنان توسط حقوق بین‌الملل موضوعه، و نه توسط دولت، تنظیم می‌شود. از طرف دیگر، حقوق و وظایف شخص، گروه شورشی، شرکت‌های فراملی و غیره نیز باید در نظر گرفته شود. در اینجا شخصیت حقوقی بین‌المللی به عنوان یک عنصر تصمیم‌گیرنده که به واسطه آن تعیین نظام حقوقی هنجار بدن شخصیت حقوقی بین‌المللی تعلق دارد، تعریف نمی‌گردد. اینجا مسأله هنجار بین‌المللی است که مخاطب خود را تبیین می‌کند. اما در دیدگاه-های دیگر این حضور و نقش بازیگران است که تعیین‌کننده است. به همین علت در رویکرد دیگر تأکید بر فرد به عنوان تنها بازیگر عرصه‌ی بین‌المللی می‌شود.

## ۲-۳- رویکرد فردگرایی<sup>۶۴</sup>

هسته‌ی مرکزی این رویکرد را این گزاره تشکیل می‌دهد که شخصیت حقوقی بین‌المللی تنها در یک فرض و آن هم برای افراد وجود دارد. در این رویکرد، افراد نوع بشر به جای دولت، در مرکز سیستم حقوقی بین‌المللی قرار می‌گیرند، دولت‌ها به عنوان یک وهم تصور می‌شوند و به عنوان شخصیت‌های حقوقی بین‌المللی کنار گذاشته می‌شوند.<sup>۶۵</sup> تنها افراد تابع حقوق بین‌الملل هستند. در رابطه با شخصیت حقوقی بین‌المللی لاترپااخت بیان می‌کند:

<sup>54</sup>. Jochen Von Bernstorff and Thomas Dunlap, *The Public International Law Theory of Hans Kelsen Believing in Universal Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2010), 147 and 150.

<sup>55</sup>. Kjeldgaard-Pedersen, op. cit., 25.

<sup>56</sup>. Ibid.

<sup>57</sup>. Bundle of norms.

<sup>58</sup>. Jörg Kammerhofer, "Non-state Actors from a Pure Law Theory Perspective, Participants in the International Legal System Multiple perspectives on non-state actors," in *international law dynamics*, ed. Jean d'Aspremont, (London: Routledge, 2011), 55.

<sup>59</sup>. Positive regulation.

<sup>60</sup> Law taker

<sup>61</sup>. Kammerhofer, op. cit., 56.

<sup>62</sup>. Ibid.

<sup>63</sup>. Kammerhofer, op. cit., 58.

<sup>64</sup>. The individualistic conception.

<sup>65</sup>. Kammerhofer, op.cit., 30.

«هیچ قاعده‌ی حقوق بین‌المللی وجود ندارد که افراد و ارگان‌هایی به جز دولت‌ها را از دستیابی به حقوق مستقیم ذیل حقوق بین‌المللی عرفی یا معاهده‌ای یا تابع قرارداد حقوق ملل، منع کند».<sup>۶۶</sup>

لا‌ترپاخت همانند کلسن، فرد را نهاد نهایی حقوق ملی یا بین‌المللی، در نظر می‌گیرد. وی دولت را یک نهاد کارکردی<sup>۶۷</sup> که صرفاً با هدف حفاظت از منافع افرادی که از آن‌ها تشکیل شده است، در نظر می‌گیرد. در این رویکرد، شناسایی فرد به عنوان تابع (سوبژه) حقوق بین‌الملل براساس حقوق بنیادین و غیرقابل انکار بشر است.<sup>۶۸</sup>

در دکتترین معاصر، رویکرد فردگرایی شخصیت بین‌المللی در بحث‌های علمی در رابطه با «دستورگرایی/اساسی‌گرایی حقوق بین‌الملل»<sup>۶۹</sup> آشکار است. در قرائت دستورگرایانه، سلسله مراتب هنجارها و حمایت از حقوق بنیادین معیاری برای شناسایی و تفسیر قواعد حقوقی قرار می‌گیرد و لذا در این رویکرد، برای قواعد حقوقی بین‌المللی سلسله مراتب در نظر گرفته می‌شود تا در خلاءهای حقوق بین‌الملل در شرایطی که با چالش رضایت‌محوری و دولت‌گرایی حقوق بین‌الملل مواجه می‌شویم، قواعد قابل اجرا شناسایی شود. در نتیجه نهادهای بیشتری برای حمایت از حقوق بنیادین پدید می‌آیند. در این ساختار، گویی تعادلی میان رویکرد حاکمیت-بنیان و انسان-بنیان در عرصه بین‌المللی ایجاد می‌شود. این قرائت حکمرانی ملی و بین‌المللی را تحدید می‌کند و رضایی بودن حقوق بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>۷۰</sup> تحدید حاکمیت ملی و حکمرانی بین‌المللی به همراه پیش‌بینی سلسله‌مراتب قواعد حقوقی بین‌المللی به منظور تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی بشر، از عناصر اصلی دستورگرایی هستند.<sup>۷۱</sup> در این رویکرد، حقوق بین‌الملل به میزان کمتری به اراده و منافع هر کشور وابسته شده است و به‌طور فزاینده‌ای بر درک منافع جامعه متمرکز است. لذا برخی از دستورگرایان حقوق بین‌الملل را به عنوان یک نظام رفاه جهانی و یک سیستم ارزشی جهانی وطنی در نظر می‌گیرند.<sup>۷۲</sup>

اما آیا فرد می‌تواند تنها نقطه اتکای حقوق بین‌الملل در روابط بین‌الملل باشد. حقوق بین‌الملل نیاز به تعریفی دارد که در آن هر بازیگر نقش خود را در این سیستم باز یابد. ما زمانی که از حضور و اثرگذاری بازیگران غیردولت صحبت می‌کنیم بدان معنا است که در عرصه بین‌المللی برای هر یک از آنان ظرفیت و کارکردی را در نظر گرفته‌ایم. نکته دیگر این است که آیا لازم است حقوق بین‌الملل را در چارچوب تابع و متبوع نگه داریم و جز این تصویری نداشته باشیم؟ اگر در جایی نقطه نهایی یک هنجار یا وضعیت، فرد نباشد آن زمان چه کسی مخاطب خواهد بود؟ برخی از صاحب‌نظران این نگاه تک بعدی را نمی‌پذیرند.<sup>۷۳</sup>

<sup>66</sup>. Hersch Lauterpacht, *International law: being the collected papers of Hersch Lauterpacht*. Vol. 2. (Cambridge: Cambridge University Press, 1970), 487, 489–91.

<sup>67</sup>. Functional entity.

<sup>68</sup>. Kjeldgaard-Pedersen, op. cit., 31.

<sup>69</sup>. Constitutionalization of international law.

<sup>۷۰</sup>. عباسعلی کدخدایی و امیر مقامی، «پیامدهای خوانش دستورگرایانه از حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۹ (۱۳۹۷): ۳۱.

<sup>۷۱</sup>. کدخدایی و امیر مقامی، همانجا، ۸.

<sup>72</sup>. Thomas Kleinlein, "Non-state actors from an international constitutionalist perspective: Participation matters!", in *Participants in the International Legal System*, ed. Jean d'Aspremont (London: Routledge, 2011), 42.

<sup>73</sup>. Narissa Ramsundar, *State Responsibility for Support of Armed Groups in the Commission of International Crimes* (Boston: Brill Nijhoff, 2020), 29.

به همین علت است که باید دنبال تعریفی دیگر برای شخصیت حقوقی بین‌المللی گشت. تعریفی که بر محور حضور یک بازیگر و اثرگذاری آن در صحنه بین‌المللی باشد و نه بر کارکرد حقوق بین‌الملل بر اساس تابعان؛ زیرا کارکرد حقوق بین‌الملل بر اساس شرکت‌کنندگان و کنشگران یک نظام است.

#### ۴-۲- رویکرد شرکت‌کننده<sup>۷۴</sup>

این رویکرد می‌تواند در یک توسعه‌ی نظام‌مند به سمت کارکرد بیشتر حقوق بین‌الملل، متناسب با تحولات نظام بین‌الملل، پیش رود. این رویکرد اذعان دارد که شخصیت حقوقی بین‌المللی وجود ندارد، بلکه شرکت‌کنندگان در نظم حقوقی بین‌المللی حاضر هستند و وجود دارند.<sup>۷۵</sup> رویکرد شرکت‌کننده در رابطه با شخصیت حقوقی بین‌المللی از مکتب نیوهیون نشأت گرفته است که ابتدا توسط مایرس اس مک دوگال و هارولد دی لاسول توسعه یافت.<sup>۷۶</sup> تعریفی که این دو از حقوق بین‌الملل ارائه می‌دهند این است که حقوق بین‌الملل مجموعه‌ای از قواعد نیست، بلکه فرآیندی از «تصمیم‌گیری معتبر/رسمی»<sup>۷۷</sup> است. هیچ هنجار قانونی از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد که نهادی را از این روند مستثنی کند یا آن را در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت دهد. در حقیقت شاکله جامعه بین‌المللی بیش از آن که صرفاً اجتماع دولت‌ها باشد، جامعه‌ی مشترکات بین‌المللی است.<sup>۷۸</sup> به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل برآیند تضارب قدرت‌های جهانی در فرآیند رفتارها و رویه‌های دولت و بازیگران غیردولت است و در همین فرآیند، همبستگی بین‌المللی حول جامعه مشترکات بین‌المللی رخ می‌دهد. این همبستگی در بستر مشترکاتی شکل می‌گیرد که در جریان رفتارهای بازیگران بین‌المللی و انتخاب آزاد آن‌ها و نهادهای مختلف نطفه می‌بندد و به هنجارسازی منجر می‌شود.<sup>۷۹</sup> در نظر این مکتب، بازیگران بین‌المللی با انتخاب قواعد حقوقی مناسب در فرآیند عملکرد و رفتارهای خود در عرصه‌ی بین‌المللی در راستای نیل به هدف متعالی ارزش‌های بشری انتظارات مشترک جامعه بین‌المللی را نیز تأمین می‌کنند.<sup>۸۰</sup>

بر اساس این رویکرد، در نظام حقوق بین‌الملل، شرکت‌کننده نهادی است که در فرآیند تصمیم‌گیری‌های معتبر/رسمی با ماهیت بین‌المللی حضور دارد. اینطور نیست که دولت‌ها همیشه در حوزه حقوق بین‌الملل حق انتخاب داشته باشند، بلکه عرصه‌ی شکل‌گیری یک رویداد یا تحقق یک رویکرد در حقوق بین‌الملل پیچیده است و نیروهای مختلفی بر خروجی این فرآیند تأثیر می‌گذارند. طرفداران این مکتب معتقد هستند قواعد حقوق بین‌الملل پدیده‌های ثابتی نیستند، بلکه با تبعیت از تحولات و مطالبات مشترک مردم در سطح جهان، پیوسته در تحول هستند.<sup>۸۱</sup>

کسانی در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند که دارای صلاحیت تصمیم‌گیری هستند و می‌توانند نقش‌های مهمی در تأثیرگذاری بر نتایج تصمیم‌گیری داشته باشند. در تصمیم‌گیری بین‌المللی علاوه بر نظرات سازمان‌های بین‌المللی رسمی و مقامات دولتی سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های فشار، گروه‌های ذینفع، باندها و افرادی که به نمایندگی از سایر

<sup>74</sup> The participant conception.

<sup>75</sup> Kjeldgaard-Pedersen, op. cit., 14.

<sup>76</sup> Ibid., 37.

<sup>77</sup> Authoritative decision-making.

<sup>78</sup> محسن محبی و سهیلا ابراهیمی لویه، «مکتب نیوهیون در حقوق بین‌الملل: بازخوانی رابطه قدرت و حقوق بین‌الملل»، مجله راهبرد ۸۲ (۱۳۹۶)، ۱۸۱.

<sup>79</sup> همانجا، ۱۸۲.

<sup>80</sup> محبی و ابراهیمی لویه، همانجا، ۱۸۵.

<sup>81</sup> همانجا، ۱۸۸.

شرکت‌کنندگان و به‌طور مستقل عمل می‌کنند نیز صاحب نظر هستند.<sup>۸۲</sup> لذا، این بازیگران و سایرین در شکل‌گیری قدرت جهانی و از این رهگذر در تدوین قواعد حقوق بین‌الملل تأثیرگذار هستند. تولیدکنندگان قدرت و کنشگران اثرگذار در عرصه بین‌المللی تغییر کرده و علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد، احزاب، رسانه‌ها و حتی افراد نقش مهمی در تولید و تکثیر قدرت پیدا کرده‌اند و محیطی متکثر ایجاد شده است.<sup>۸۳</sup>

در نتیجه‌ی این نوع نگاه، به جای بحث در رابطه با سلسله مراتب نظام هنجاری، این مکتب حقوق بین‌الملل و حقوق ملی را به عنوان «فرآیندهای نفوذ قدرت» تصور می‌کند. نیروهای غیردولت نه تنها مستقیماً نقش آفرینی می‌کنند بلکه بر تعریف منافع ملی، دولت‌ها و بر اراده تصمیم‌گیرندگان نهایی بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، شبکه‌ای از نیروهای غیردولت نقش اصلی را در شکل‌گیری حقوق نرم ایفا می‌کنند که نهایتاً منجر به تولید قواعد سخت حقوقی توسط دولت‌ها می‌شود.<sup>۸۴</sup> لذا آنچه که مشخص می‌کند یک نهاد ظرفیت عمل را دارد به وضعیت خاص آن نهاد باز نمی‌گردد بلکه به عمل یا اقدام آن مرتبط است.<sup>۸۵</sup> در نتیجه، این که یک شخص می‌تواند به روشی خاص اقدام کند یا خیر، به هنجارهای قابل اجرا بستگی دارد که اقدام خاصی را مجاز یا ممنوع می‌کند و به شخصیت حقوقی او بستگی ندارد. بنابراین در این رویکرد تمرکز بر نوع فعل و رفتار است نه ماهیت شخص مرتکب. پرسش اصلی در این رویکرد این نیست که چه شخصی اقدام کرده است، بلکه سوال این است که آیا حقوق بین‌الملل بر عمل مورد نظر حاکم است؟ لذا در این نقطه نظر تمرکز از شخصیت حقوقی بین‌المللی به روابط حقوق بین‌الملل معطوف می‌شود.<sup>۸۶</sup> در این بستر، تعهدات بین‌المللی که اقدام یا عمل خاصی را ممنوع یا مجاز می‌دانند، نهاد خاصی را مخاطب قرار نمی‌دهند. نقض حقوق بشر اگر توسط هر نهادی ارتکاب یابد غیرقانونی است، خواه مرتکب دولت باشد یا شرکت یا فرد. مسأله اثرگذاری بازیگران بر یک وضعیت است. اینجاست که همه‌ی بازیگران مجریان تعهدات بین‌المللی می‌شوند و براساس اثرگذاری خود در نظام بین‌الملل مسئول شناخته می‌شوند. به عنوان مثال، رای دادگاه بخش لاهه در خصوص تعهد شرکت شل در مسأله تغییرات اقلیمی اشاره به همین تعهدات شرکت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی براساس قواعد ملی و بین‌المللی است چرا که این بازیگران با اقدامات خود، نقش کلیدی در اعمال قواعد در این حوزه دارند. در ۵ آوریل سال ۲۰۱۹، گروه طرفدار محیط زیست، میلیودیفنسی<sup>۸۷</sup>، طی اقامه دعوا علیه شرکت نفتی شیل<sup>۸۸</sup> نزد دادگاه بخش لاهه بیان داشت که فعالیت‌های این شرکت در رابطه با تغییرات اقلیمی، ناقض تعهد به ارزیابی بایسته<sup>۸۹</sup> ذیل قوانین دولت هلند، موافقت‌نامه پاریس در مورد تغییرات اقلیمی ۲۰۱۵ و تعهدات حقوق بشری است. از جمله‌ی این تعهدات، آنطور که خواهان ادعا می‌نماید،

<sup>82</sup> W. Michael Reisman, Siegfried Wiessner, and Andrew R. Willard, "The New Haven School: A Brief Introduction," *Yale Journal of International Law* 32 (2007), 578.

<sup>۸۳</sup> . محبی و ابراهیمی لویه، همان ۱۸۷.

<sup>۸۴</sup> . همانجا، ۱۸۸.

<sup>85</sup> Kate Parlett, *The Individual in the International Legal System: Continuity and Change in International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2011), 364.

<sup>86</sup> Walters, op.cit. 1-30.

<sup>87</sup> *Milieudefensie*.

<sup>88</sup> Shell.

<sup>89</sup> . Due diligence obligation.

اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل متحد، اصول مندرج در پیمان نامه جهانی سازمان ملل متحد و اصول راهنمای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در مورد شرکت‌های چند ملیتی است.<sup>۹۰</sup>

دادگاه در قسمتی از رای بیان می‌کند که تعهدات دولت‌ها برای تأمین انرژی، همانطور که در توافقنامه برنامه بین-المللی انرژی و معاهده منشور انرژی اروپا<sup>۹۱</sup> و پروتکل‌های مربوطه تعیین شده است، جدای از تعهدات دولت‌ها و شرکت‌ها، مانند گروه شل، مطابقت ارائه انرژی با کاهش دی‌اکسید کربن مورد نیاز برای مقابله با گرمایش زمین نیز است، آنطور که در موافقتنامه پاریس بدان اشاره شده است.<sup>۹۲</sup> همچنین دادگاه بیان می‌دارد که باتوجه به ارتباط بنیادین حقوق بشر و ارزش آن برای جامعه به عنوان یک کل، حقوق بشر می‌تواند در رابطه با میلودیفنسی و گروه شل نقش داشته باشد. لذا دادگاه در تفسیر استانداردهای نانوشته، مراقبت حقوق بشر و ارزش‌های آن را در نظر می‌گیرد.<sup>۹۳</sup>

دادگاه در ادامه تصریح می‌کند که گروه شل یک بازیگر اصلی در بازار جهانی سوخت‌های فسیلی است و مسئول انتشار دی‌اکسیدکربن قابل توجهی است که بیش از بسیاری از دولت‌ها است و در گرم شدن کره‌ی زمین و تغییرات اقلیمی خطرناک شرکت داشته است که پیامدها و خطرات جبران ناپذیری برای حقوق بشر ساکنان هلند و «منطقه وادن»<sup>۹۴</sup> خواهد داشت.<sup>۹۵</sup>

در اینجا یک بازیگر، بنابر کنشگری و اقدامات خود در عرصه‌ی بین‌المللی و ظرفیتی که برای آن تصور می‌شود، متعهد به اجرای تعهدات ملی و بین‌المللی است و اثر نقض این تعهد در نظر گرفتن مسئولیت بین‌المللی برای آن است.

در نتیجه‌ی این تحولات و نوع نگاه به شخصیت حقوقی المللی، آنچه با توجه به نظام بین‌الملل می‌توان دریافت آن است که یک بازیگر، به‌ویژه بازیگران غیردولت، در صورتی باید به عنوان شرکت‌کننده در این نظام در نظر گرفته شود که کارکرد و ظرفیت‌هایی را دارا باشد. به دیگر سخن، حقوق بین‌الملل هنگامی کارآمد خواهد بود که هر بازیگر را نه براساس نظریه دولت-محوری و تابعان و متبوعان شناسایی کند، بلکه هر بازیگر را بر اساس نوع شرکت و کنشگری خود مورد خطاب قرار دهد، چراکه در موارد دیگر عملاً حضور بخشی از بازیگران نادیده گرفته می‌شود. بازیگران بر اساس نوع حضور و کنشگری خود در نظام بین‌الملل، در ساختار هنجاری حقوق بین‌الملل نیز اثرگذار خواهند بود. امروزه بازیگران در عرصه حقوق بین‌الملل کنشگرانی هستند که هر یک سازوکار و شرایط خاص خود را دارا هستند. در این فضا مسأله آن نیست که هر بازیگر مانند بازیگری دیگر تعریف شود و کارکرد آن به همان ترتیب باشد. باید بدین امر نیز توجه داشت که نظام بین‌الملل دیگر یک نظام متکی به دولت‌ها نیست.

یا در مثالی دیگر، حق تعیین سرنوشت که برای مردمان، مانند مردمان بومی، تعریف می‌شود، به افراد و گروه‌ها اعطا شده که بر اساس حقوق بین‌الملل، چارچوب یک ساختار موجود را تغییر دهند و خود به صورت مستقل اعلام موجودیت

<sup>۹۰</sup> معین عارفی‌فرد، «آیا شرکت‌های نفتی تعهدی به نقش‌آفرینی در کاهش تغییرات اقلیمی دارند؟ تحلیل رای دادگاه بخش لاهه درخصوص تعهد شرکت شل در کاهش انتشار دی‌اکسید کربن»، ۲۹ خرداد ۱۴۰۰، دسترسی در ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱، <https://unstudies.ir/iauns-forum>.

<sup>۹۱</sup> The Agreement on an International Energy Program and the European Energy Charter Treaty.

<sup>۹۲</sup> *Vereniging Milieudefensie et al v. Royal Dutch Shell Plc.* 26 May 2021, The Hague District Court, para. 4.4.43

<sup>۹۳</sup> *Ibid.*, para. 4.4.9.

<sup>۹۴</sup> Wadden area.

<sup>۹۵</sup> *Vereniging Milieudefensie et al v. Royal Dutch Shell Plc.* 26 May 2021, The Hague District Court, para. 4.4.16.



نمایند. این امر نشان از حضور اثرگذار این بازیگران در صحنه بین‌المللی و هنجارهای موجود در آن است. بازیگران غیردولت در عرصه‌ی نظام بین‌الملل بنا بر نوع کنشگری و رفتارهایی که در این جامعه اثر می‌گذارد، در بسترهای گوناگون این نظام از جمله هنجارهای آن که زمینه‌ی تعیین‌کننده نوع عملکرد است، حضور و نقش خواهند داشت. این بازیگران در کنار دولت‌ها به دلیل نقش خود توانسته‌اند مفاهیمی را شکل دهند، توسعه دهند یا چارچوب عملکرد نظام بین‌الملل را تغییر دهند. این امر نه به جهت تابع بودن این بازیگران بلکه به دلیل کنشگری آنان در عرصه بین‌المللی است، چراکه پیش از در نظر گرفتن این بازیگران به عنوان تابعان یا شخصیت‌های حقوقی بین‌المللی، هنجارهایی را به واسطه نوع کنشگری آنان شکل داده یا تفسیر کرده‌ایم.

هرچند باید توجه داشت که در اغلب موارد فوق نیز همواره دولت‌ها یا نهاد حاکمیت نقش کلیدی و اصلی را ایفا می‌کند، اما در کنار آن حضور بازیگران غیردولت نیز رفته رفته پررنگ می‌گردد. به عنوان مثال در پیش نویس مطالعاتی «وظیفه بر همکاری و بازیگران غیردولت» که در ۳ آوریل ۲۰۲۳ توسط شورای حقوق بشر ارائه گردید، در بخش وظیفه جبران خسارت/آسیب این چنین بیان می‌گردد که در قواعد حقوق بشر، بطور کلی این دولت‌ها هستند که وظیفه حمایت از دارندگان حق‌ها در برابر اقدام غیرمنطبق با حقوق بشر بازیگران خصوصی را دارند. اما در کنار این موضوع بیان می‌دارد که در وضعیت‌های پیچیده حل مسائل و تعارضات تنها توسط یک بازیگر امکان پذیر نیست و مکانیزمی متشکل از ذینفعان متعدد را نیازمند است. این سازوکار باید به گونه‌ای باشد که صداها و دیدگاه‌های همه بازیگران درگیر را منعکس کند. بسته به زمینه مورد بحث، این امر ممکن است مستلزم حضور شرکت‌ها، بازیگران جامعه مدنی، دولت میزبان، موسسه مالی بین‌المللی و غیره باشد.<sup>۹۶</sup>

لذا براساس آنچه که بیان گردید، هنوز بسیاری از صاحب نظران در حقوق بین‌الملل بر این باور هستند بازیگران غیردولت هنجارهای حقوق بین‌الملل را نمی‌توانند شکل دهند و دولت‌ها سوژه‌های اصلی، اولیه و جهانی حقوق بین‌الملل هستند. در کنار این نگاه کلاسیک به حقوق بین‌الملل، عده‌ای دیگر بر این نظر هستند که دولت‌ها در ایجاد حقوق بین‌الملل انحصار ندارند. از نظر آنها، بازیگران اجتماعی غیر از دولت‌ها، قادر به ایجاد هنجارهای حکمرانی جهانی هستند، زیرا آنها اقتدار عمومی را در یک سیستم متکثر قانون گذاری و اجرای بین‌المللی اعمال می‌کنند.<sup>۹۷</sup>

## نتیجه‌گیری

امروزه حقوق بین‌الملل نمی‌تواند دولت را تنها واسطه و حلقه‌ی اصلی نظام حقوقی بین‌المللی قرار دهد، همانطور که با ظهور سازمان‌های بین‌المللی دیگر نمی‌توانست همه امور و مسئولیت‌ها را بر دولت بار کند. خصوصی‌سازی بسیاری از امور حاکمیتی را به نهادهای غیردولت سپرده است. در نتیجه تنها نهاد اثرگذار دارای ظرفیت و کارکرد نیز دولت‌ها نیستند. به دیگر سخن، اگر اقدام یک نهاد اعم از دولت یا غیردولت در نظام بین‌المللی اثرگذار باشد، به طریق اولی حضور و ماهیت آن نهاد باید در نظام حقوقی بین‌المللی شناسایی شود تا بتوان اقدامات وی را در بخش‌هایی که بیشترین اثرگذاری را دارد،

<sup>96</sup> Human Rights Council, "The duty to cooperate and non-State actors Draft study by the Expert Mechanism on the Right to Development", Seventh session, A/HRC/EMRTD/7/CRP.3, April 2023, Para. 76-78.

<sup>97</sup> Melissa Loja, *International Agreements between Non-State Actors as a Source of International Law* (Great Britain: HART PUBLISHING, 2022), 9-14

قاعده‌گذاری کرد. حقوق بین‌الملل معاصر نمی‌تواند هنجارهای بین‌المللی را تنها از دریچه‌ی نظام دولت-محور یا نظامی که مبتنی بر دو نهاد حقوقی بین‌المللی، یعنی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است، تنظیم کند. اکنون بازیگران غیردولت در حوزه‌های گوناگون، چنان‌کنش و اثرگذاری‌ای داشته‌اند و دارند که حقوق بین‌الملل نمی‌تواند تنها به واسطه دولت‌ها با آن‌ها تعامل کند، چراکه این نوع از تعامل خلاءهایی در نظام بین‌الملل ایجاد می‌کند. چنانچه حقوق بین‌الملل دولت‌ها و بعضاً سازمان‌های بین‌المللی را مخاطبان مستقیم حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های بین‌المللی قرار دهد، پاسخی پایدار و جهانی به نیازها و الزامات جامعه بین‌المللی نداده است. به همین خاطر است که اکنون در رویه و اسناد گوناگون بازیگران مختلف مورد خطاب قرار می‌گیرند چرا که مسأله شخصیت حقوقی یا تابع بودن کارکرد پیشینی آن دچار تحول شده است، بلکه مسأله شرکت کردن و کنشگری در عرصه بین‌المللی است که بر هنجارهای بین‌المللی نیز اثر می‌گذرد. به عبارت دیگر، از یک طرف با پدیده‌هایی مواجه هستیم که براساس آن شخصیت حقوقی بین‌المللی شکل گرفته، قوام و تغییر یافته است و از طرف دیگر، با هست‌ها و نوع تعاملی مواجه هستیم که منجر به حرکت از شخصیت حقوقی بین‌المللی و تابع (سوئژه) بودن به سمت کنشگری شده است و نظام هنجاری حقوق بین‌الملل را دچار تحول کرده است. لذا نقش بازیگران غیردولت در ساختار هنجاری نظام بین‌الملل و همچنین مسئولیت بازیگران غیردولت و عملکرد نظارتی آنان در حقوق بین‌الملل در حال تحول است. همانطور که شاهد هستیم براساس نوع و تنوع بازیگران مختلف، اسناد و رویه‌های بین‌المللی نمی‌توانند در قالب نظام دولت-محور یا فردگرا هنجارهای خود را شکل دهند، بلکه مسأله اقداماتی است که در عرصه بین‌المللی اثر گذار بوده است.

حقوق بین‌الملل مبتنی بر کنشگری بازیگران متعدد و ساختار هنجاری بر همین اساس، به معنای تنزل آن یا خروج موضوعی از اهداف حقوق بین‌الملل نیست. روزی کنشگران اصلی نظام بین‌الملل تنها دولت‌ها بودند، اما امروزه این کنشگران و پدیده‌ها طیف وسیع‌تری را در می‌گیرند که الزامات و نیازهای جدیدی را در سطح بین‌المللی شکل می‌دهند و وظیفه حقوق بین‌الملل پاسخ به این تحولات متناسب با بازیگران است. اینک دولت‌ها و سایر بازیگران، ابزاری در جهت تحقق نیازها و الزامات زیست بین‌المللی هستند. به نظر می‌رسد حقوق بین‌الملل به سمتی در حرکت است که دیگر نمی‌توان تنها دولت‌ها را کنشگر آن شناسایی کرد. بلکه رفته رفته شاهد حضور بازیگرانی هستیم که در این نظام نقش‌های متعدد دارد. حقوق بین‌الملل برای آن که دچار خلاء هنجاری نشود و کارکرد خود را از دست ندهد، نیاز به بازشناسی بازیگران مختلف در عرصه بین‌المللی دارد. به نظر می‌رسد در آینده ما با هنجارها و سازکارهایی مواجه خواهیم بود که فارغ از شکل و نوع بازیگران خواهد بود، هرچند که نوع و اقتدار بازیگران نیز اثرگذار خواهد بود. ستون‌هایی که حقوق بین‌الملل بر آن بنا شده است به تدریج بیشتر و متفاوت خواهد شد. بدین معنا که اگر روزی از ستون‌های اصلی حقوق بین‌الملل حاکمیت دولت‌ها و رضایت دولت‌ها بود، در مسیر پیش رو شاهد پیچیده‌تر شدن این بنا هستیم و در کنار این ارکان و بازیگران، سایر نهاد (به عبارت دیگر ستون‌های) نیز در حال شکل‌گیری و اثرگذاری هستند که بعضاً برخی اثرات خود را گذاشته‌اند. در این روند، بنای اولیه حقوق بین‌الملل حفظ خواهد شد، اما چارچوب‌های جدیدی نیز به آن افزوده خواهد شد، در غیر این صورت به نظر می‌رسد پویایی خود را از دست خواهد داد. در عصر حاضر پدیده‌های موجود آنچنان با سرعتی در حال تغییر هستند که اگر این سرعت و تحولات را حقوق بین‌الملل نادیده بگیرد با یک خلاء قانونی در نظام بین‌الملل مواجه خواهیم شد. نمونه این مسأله حضور بیش از پیش هوش مصنوعی (تکنولوژی) در عرصه جهانی است که بسیاری از معادلات را دچار تحول

کرده و می‌کند. در همه این تغییرات بازیگران غیردولت نقش کلیدی بازی می‌کنند که بعضا دولت‌ها نیز از آنان بسیار عقب‌تر هستند، پس حقوق بین‌الملل نیز باید این تحولات نوین را به رسمیت شناسد و برای آن راهکاری کارآمد در نظر گیرد.

## فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۳- رای، جیمزلی و ژولیه کابو، سیاست جهانی: روابط اقتصادی و مسائل جهانی معاصر، ترجمه قدرت احمدیان و فرهاد دانش‌نیا. تهران: مرکز ملی جهانی شدن، ۱۳۹۳.  
مقاله‌ها

- ۴- عسکری، پوریا. «شرکت‌های خصوصی نظامی و امنیتی در حقوق بشردوستانه». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۱۲ (۱۳۸۶): ۱۰۴-۸۳.  
۵- کدخدایی، عباسعلی و امیر مقامی. «پیامدهای خوانش دستورگرایانه از حقوق بین‌الملل». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۹ (۱۳۹۷): ۳۸-۷.  
۶- محبی، محسن. «زمینه‌های تاریخی حضور شرکت‌های خصوصی در حقوق بین‌الملل». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۲۵ (۱۳۷۹): ۵۶-۵.  
۷- محبی، محسن و سهیلا ابراهیمی لویه. «مکتب نیوهیون در حقوق بین‌الملل: بازخوانی رابطه قدرت و حقوق بین‌الملل». *مجله راهبرد* ۸۲ (۱۳۹۶): ۲۰۶-۱۸۱.  
۸- نوری، مهدی. «تحلیل ماهیت پولی رمزارزها در اقتصاد؛ با تأکید بر مقایسه نوسانات رمزارزهای منتخب با نوسانات یورو- دلار و طلا». *فصلنامه اقتصاد دفاع* ۱۰ (۱۳۹۷): ۱۳۰-۱۰۹.

سایت‌ها

۹- «راهنمای گام به گام خرید ارز، سهام و زمین؛ چگونه در متاورس سرمایه‌گذاری کنیم؟» یورونیوز، ۲۰۲۲/۰۱/۰۶.  
<https://per.euronews.com/2022/01/06/how-to-invest-in-the-metaverse-a-step-by-step-guide>

۱۰- عارفی‌فرد، معین، «آیا شرکت‌های نفتی تعهدی به نقش آفرینی در کاهش تغییرات اقلیمی دارند؟ تحلیل رای دادگاه بخش لاهه در خصوص تعهد شرکت شل در کاهش انتشار دی‌اکسید کربن»، *تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد*.  
<https://unstudies.ir/iauns-forum> (۱۴۰۰/۰۳/۲۹).

ب) منابع انگلیسی

- 11- A/HRC/17/31 (2011).  
Accessed June 19, 2021. [https://www.ivr.uzh.ch/dam/jcr:00000000-6cd4-2fa7-0000-000056bb30f7/Text\\_1\\_Delbrueck.pdf](https://www.ivr.uzh.ch/dam/jcr:00000000-6cd4-2fa7-0000-000056bb30f7/Text_1_Delbrueck.pdf)
- 12- Amnesty International. "Undermining Freedom of Expression in China: The Role of Yahoo!, Microsoft and Google." Amnesty International UK, The Human Rights Action Centre, 2006. Available at: <https://www.amnesty.org/en/documents/POL30/026/2006/en/>
- 13- Bilkova, Veronica. "Non-State Actors." Final Report, Johannesburg Conference: International Law Association, 2016.
- 14- Cassese, Antonio. "States: Rise and Decline of the Primary Subjects of the International Community." In *The Oxford Handbook of the History of International Law*, edited by Bardo Fassbender and Anne

- Peters. Published online. Oxford: Oxford University Press, 2012. Doi: 10.1093/law/9780199599752.003.0003
- 15- Clapham, Andrew. "Non-state Actors." In *International human rights law*, edited by Daniel Moeckli, Sangeeta Shah, David Harris, and Sandesh Sivakumaran, 557-579. 3<sup>rd</sup> Ed. Oxford: Oxford University Press, 2018.
  - 16- Clapham, Andrew. *Human Rights Obligations of Non-State Actors*. Oxford: Oxford University Press, 2006.
  - 17- De Vattel, Emerich. *The Law of Nations or the Principles of Natural Law Applied to the Conduct and to the Affairs of Nations and of Sovereigns*. Washington: Carnegie Institution of Washington, 1916. Accessed June 2, 2022. <https://oll.libertyfund.org/title/whatmore-the-law-of-nations-1f-ed>
  - 18- Delbrück, Jost. "Structural changes in the international system and its legal order: international law in the era of globalization." *Swiss. Rev. Int'l & Eur. L.* 11 (2001): 1.
  - 19- Human Rights Council, "The duty to cooperate and non-State actors Draft study by the Expert Mechanism on the Right to Development", Seventh session, A/HRC/EMRTD/7/CRP.3, April 2023.
  - 20- International Law Commission. "Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, 2001" *United Nations* (2008).
  - 21- Kammerhofer, Jörg. "Non-state Actors from a Pure Law Theory Perspective, Participants in the International Legal System Multiple perspectives on non-state actors." In *Participants in the International Legal System*, edited by Jean d'Aspremont, 54-63. London: Routledge, 2011.
  - 22- Kjeldgaard-Pedersen, Astrid. *The International Legal Personality of the Individual*. Oxford: Oxford University Press, 2018.
  - 23- Kleinlein, Thomas. "Non-state Actors from an International Constitutionalist Perspective: Participation Matters!." In *Participants in the International Legal System*, edited by Jean d'Aspremont, 41-53. London: Routledge, 2011.
  - 24- Kyriakakis, Joanna. "Article 46C Corporate Criminal Liability at the African Criminal Court." In *The African Court of Justice and Human and Peoples' Rights in Context Development and Challenges*, edited by Charles C. Jalloh, Kamari M. Clarke, and Vincent O. Nmeihelle, 793-837. Cambridge: Cambridge University Press, 2019.
  - 25- Lauterpach, Hersch. *International Law: Being the Collected Papers of Hersch Lauterpacht*. Vol. 2. Cambridge: Cambridge University Press, 1970.
  - 26- Lee, Lik-Hang, Tristan Braud, Pengyuan Zhou, Lin Wang, Dianlei Xu, Zijun Lin, Abhishek Kumar, Carlos Bermejo, and Pan Hui. "All One Needs to Know about Metaverse: A Complete Survey on Technological Singularity, Virtual Ecosystem, and Research Agenda." (2021). Accessed on May 20, 2022. <https://arxiv.org/abs/2110.05352v3>.
  - 27- Loja, Melissa. *International Agreements between Non-State Actors as a Source of International Law*. Great Britain: HART PUBLISHING, 2022.
  - 28- Manner, George. "The Object Theory of the Individual in International Law." *American Journal of International Law* 46, no. 3 (1952): 428-449. Accessed April 23 2021. <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/ajil46&div=29&id=&page>.
  - 29- NBC news. "Twitter Permanently Suspends President Donald Trump." Accessed September 11, 2021. <https://www.nbcnews.com/tech/tech-news/twitter-permanently-bans-president-donald-trump-n1253588>
  - 30- Olivier, Michèle. "Exploring Approaches to Accommodating Non-State Actors Within Traditional International Law." *Human Rights & International Legal Discourse* 4.1 (2010): 15.
  - 31- Parlett, Kate. *The Individual in the International Legal System: Continuity and Change in International Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2011.
  - 32- Portmann, Roland. *Legal personality in international law*. Vol. 70. Cambridge University Press, 2010.
  - 33- Protocol on Amendments to the Protocol on the Status of the African Court of Justice and Human Rights. African Union, adopted on June 27, 2014, entered into force on April 2, 2019.
  - 34- Ramsundar, Narissa. *State Responsibility for Support of Armed Groups in the Commission of International Crimes*. Boston: Brill Nijhoff, 2020.
  - 35- Reisman, W. Michael, Siegfried Wiessner, and Andrew R. Willard. "The New Haven School: A Brief Introduction." *Yale Journal of International Law* 32 (2007): 575.

- 36- S/2020/366 (2020).
- 37- S/RES/2459 (2019).
- 38- Gorski, Simone. "Individuals in International Law." In *Max Planck Encyclopedias of International Law* [MPIL], edited by Rüdiger Wolfrum, August 2013. Available at: <https://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e829?rskey=kJWcno&result=17&prd=OPIL>
- 39- *Vereniging Milieudefensie et al v. Royal Dutch Shell Plc.* 26 May 2021, The Hague District Court, C/09/571932.
- 40- Von Bernstorff, Jochen, and Thomas Dunlap. *The Public International Law Theory of Hans Kelsen Believing in Universal Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2010.
- 41- Walter, Christian. "Subjects of International Law." In *Max Planck Encyclopedias of International Law* [MPIL], edited by Rüdiger Wolfrum, May 2007. Available at: <https://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1476>.

## **Activities of Non-State Actors and Redefining the Concept of International Legal Personality**

### **Abstract**

A controversial issue in international law is how international legal personality is defined or by what criteria it is conferred. The field mainly tries to address the questions that who has international legal personality, and what characteristics the actor must be endowed with, to be the subject of international law thereafter. scholars and theorists in international law have sought to define the standards and criteria in order to recognize the international legal personality. International law takes different approaches to the issue of international legal personality and specifies the status of actors, as Subject or Object, based on different factors and circumstances. In the beginning, the presence of states was the focus, however, other actors in the international system took on different forms gradually. Besides, International organizations and non-governmental entities such as non-governmental organizations (NGOs), companies, armed groups, etc. appeared on the international scene. therefore, we gradually observe that the influential factors and the definition of the international legal personality have transformed. Thus, nowadays, international law requires specifying the type of its relationship with these actors in order to preserve its function. This article represents the challenges of international law encountering non-state actors through the lens of international legal personality to determine how non-state actors are addressed by international law.

**Key words:** international legal personality, non-state actors, subject, state-centric .